عکس: رضا معطریان/ایران

آنها که عید سفر نرفتند

غنیمت نوروز

۱۵ سال

او که ۱۵ سال است در تهران زندگی کرده هنوز نتوانسته بود در شهر بچرخد و همه آثار تاریخی و طبیعی آن را ببیند اما امسال این کار را کرده و از این رو خیلی خوشحال است

گزارش

محمد معصومیان
خبرنگار

روزهای آخر سال گذشته به رسم هرسال، تهران پر شده بود از بیلبوردهایی که مردم را تشویق به سفر می‌کردند. سایت‌های فروش بلیت پرواز و سایت‌هایی که در کار رزرو هتل و اقامتگاه هستند هر روز با پیامک‌های تبلیغاتی گوشی‌های همراه را به تسخیر خود درآورده بودند. تعمیرگاه‌های اتومبیل پر از مردمی بود که مشغول زین کردن اسب سفر بودند تا در جاده نمانند. سفر خارجی یا داخلی با قطار یا هواپیما فرقی نمی‌کند؛ به نظر می‌رسد همیشه بخشی از مردم حوصله ماندن در خانه را ندارند و می‌خواهند از تعطیلات استفاده کنند. اما همه مردم به سفر نمی‌روند بسیاری ترجیح می‌دهند در خانه بمانند یا به عید دیدنی بروند. بعد از سپری شدن تعطیلات عید نوروز سراغ آدم‌هایی رفتیم که به هر دلیلی قصد سفر داشتند و به سفر نرفتند.

«...هر سال کلی برنامه دارم اما تجربه نشان داده در انتهای عید نوروز می‌گویم تمام آن برنامه عملی نشده است.» این را رضا می‌گوید که چند سالی است تعطیلات عید را در مسافرت سپری کرده است اما امسال زمانش را در فراغت با خانواده و بخصوص دخترش که به خاطر مشغله کاری زیاد او کمتر می‌بیند گذرانده است. «برنامه گذاشتم که با همسر و دخترم به توچال برویم و همین کار را کردیم. تله کابین سوار شدیم و تا ایستگاه ۵ رفتیم. فکر می‌کنم دخترم هنوز خیلی تهران را خوب ندیده است. دائم یا مدرسه است یا کلاس‌های فوق برنامه یا خانه پدربزرگ و مادربزرگ به خاطر همین دلم می‌خواست شهری را که در آن زندگی می‌کند بهتر بشناسد.» دختر رضا ۸ سال سن دارد و به قول خودش هر چقدر در این سال‌ها شهرهای مختلف ایران را کم و بیش دیده اما کمتر تهران و زیبایی‌هایش را تجربه کرده است. سارا اصالتاً اهل شمال است و عید برای او بهترین بهانه برای ماندن در خانه مادر و حضور در کنار خانواده‌ای است که در طول سال کمتر آنها را می‌بیند اما امسال برنامه جدیدی برای خود داشت. او برای اولین بار تصمیم گرفت در تهران بماند: «هر سال می‌رفتیم شمال اما شمال زده شدیم. پول رفتن به مسافرت آنچنانی را هم نداریم. راستش شمال هم خیلی شلوغ است و دیگر بعد از یک سال شلوغ در تهران ترجیح می‌دادم با پسر و همسرم در خانه بمانیم.»

او تعریف می‌کند که بیلبوردهای شهرداری را در خیابان‌ها دیده و برایش سؤال شده که واقعاً تهران هم می‌تواند به این زیبایی باشد؟ او که ۱۵ سال است در تهران زندگی کرده هنوز نتوانسته بود در شهر بچرخد و همه آثار تاریخی و طبیعی آن را ببیند اما امسال این کار را کرده و از این رو خیلی خوشحال است: «امسال فضای تهران را تجربه کردم. می‌خواستم ببینم واقعاً شبیه این عکس‌ها است؟ واقعاً تهران هم خلوت می‌شود؟ راستش من هر سال قبل عید حسابی خانه تکانی می‌کردم و بعد می‌رفتم شمال اما امسال در خانه تمیز خودم بودم. دلم سکون و آرامش خانه در کنار همسر و پسرم را بیشتر از هر چیزی می‌خواست و از اینکه در خانه ماندم خوشحالم.»

محمد در تعطیلات عید با فرزندانش که یک دختر ۲۰ ساله و یک پسر ۱۶ ساله است به موزه و کاخ‌های تهران رفته است. او از اینکه چنین برنامه‌ای را با فرزندانش ترتیب داده خیلی خوشحال است و می‌گوید: «این بخشی از برنامه‌هایم بود و برای خودم هم برنامه گذاشته بودم که دو کتابی را که پارسال می‌خواستم بخوانم در تعطیلات بخوانم و یک سریال هم از ابتدا تا انتها ببینم که همین کار را هم کردم.» او تعطیلات را بهترین زمان برای فعالیت‌هایی می‌داند که در طول سال از انجام آنها محروم است. شلوغی و ترافیک تهران در کنار مشغله کاری زیادی که بیشتر مردم در تهران تجربه می‌کنند برای آنها تعطیلات را به زمانی برای رسیدگی به حال و احوال شخصی و خلوت کردن بدل می‌کند یا شاید برای محمد اینطور است: «در طول سال از صبح تا شب بیرون خانه هستم یک آخر هفته می‌ماند که آن‌هم بالاخره خانه دوست یا آشنایی می‌روید و پر می‌شود برای همین عید تنها زمانی است که حداقل من می‌توانم تن به خنکی لحاف بدهم و از رفتن به رستوران همراه خانواده لذت ببرم. آدم نمی‌داند فردا برای او چه به همراه می‌آورد پس این فرصت تعطیلات را باید غنیمت شمرد.»

محبوبه و دخترش قرار بود تعطیلات را در یکی از کشورهای همسایه بگذراند اما حرف خواهرش او را منصرف کرد. محبوبه تقریباً ۵۰ سال سن دارد و با دخترش زندگی می‌کند. او می‌گوید: «به خواهرم گفتم تعطیلات می‌خواهم به سفر بروم و بعد کلی حرف زدیم و او به من گفت می‌دانی چند سال است خانه دایی نرفته‌ایم؟ می‌دانی عمه هر بار زنگ می‌زند به طعنه می‌گوید لابد سر مجلس ختم من می‌خواهید بیایید؟ حرف‌های خواهرم خیلی مرا درفکر فرو برد واقعاً من هم از خواهرزاده‌هایم انتظار دارم لااقل سالی چند بار ببینمشان اما خودم نسبت به دایی و خاله‌هایم که بالاخره سنی از آنها گذشته و در خانه هستند بی‌تفاوت شده‌ام. مگر چند نفر از اقوامی که بچگی در خانه آنها بزرگ شدیم و کلی خاطره داریم مانده که نخواهیم خوشحالشان کنیم؟»

محبوبه به همراه دخترش لیستی از تمام اقوامی که سال‌هاست آنها را بجز در مراسم ختم و عروسی ندیده درست کرد و در ایام عید به تمام آنها سر زد. «خواهرم راست گفت فامیل هر بار ما را در مراسم می‌بینند گله دارند. دایی و عمو و عمه فرقی نمی‌کند امسال هم ماه رمضان بود و ما قبل از افطار خانه فامیل رفتیم که زحمت پذیرایی هم به گردن آنها نیفتد.»

قدم زدن در خیابان‌های تهران و رفتن به کافه‌های تهران برنامه امسال علیرضا بود. علیرضا معتقد است تهران بهترین مکان در ایران برای گذراندن تعطیلات عید است به شرطی که بدانید چطور از تهران لذت ببرید: «من عاشق قدم زدن در کوچه پس کوچه‌های تهران هستم. بخصوص خیابان‌های مرکز شهر و شمال شهر که درختانش شکوفه‌های سبز تازه دارند. یکی از جاهایی که قدم زدن در آن می‌چسبد دارآباد است. آن اطراف هم کوه و هم درخت هم رودخانه زیاد است و از مکان‌هایی در تهران است که من عاشقش هستم. من هر روز عید را جاهای مختلف تهران قدم زدم و در کافه‌های باصفایی که می‌دیدم می‌نشستم و قهوه می‌خوردم و دوباره به راهم ادامه می‌دادم.» به او می‌گویم البته بیشتر ایام عید ماه رمضان بوده پس چطور به کافه می‌رفته؟ او جواب می‌دهد: «کافه رفتن را به بعد افطار موکول می‌کردم.» علیرضا که ۲۲ سالش است دیدن فیلم و سریال و خواندن کتاب را هم در برنامه داشته است: «راستش بیشتر دوستان همسنم خیلی دوست ندارند دید و بازدید اقوام بروند اما من دوست دارم آنهایی را که واقعاً دوستشان دارم ببینم و در کنارشان باشم و امسال هم همین کار را کردم و از آن راضی و خوشحال هستم چون خاطره خوبی در ذهن فامیل و بخصوص مسن‌ترها باقی می‌گذارم.»

این عید هم گذشت؛ برای برخی در سفر و برخی هم مثل مصاحبه شوندگان این گزارش در خانه و شهر خود. شما تعطیلات را چگونه گذراندید؟ شاید تجربه این افراد به شما کمک کند سال بعد برنامه جدیدی برای خود داشته باشید.

> محبوبه به همراه دخترش لیستی از تمام اقوامی که سال‌هاست آنها را بجز در مراسم ختم و عروسی ندیده درست کرد و در ایام عید به تمام آنها سر زد

برش

من عاشق قدم زدن در کوچه پس کوچه‌های تهران هستم .من هر روز عید را جاهای مختلف تهران قدم زدم و بعد از افطار در کافه‌های باصفایی که می‌دیدم می‌نشستم و قهوه می خوردم و دوباره به راهم ادامه می‌دادم

جدول سودوکو

۴۱۸۴

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

آسان

	۸	۷	۱					۳
۱					۵			
	۵	۳			۷	۱		۶
۶	۳	۴					۷	
۷	۲						۸	۴
	۹				۵	۳	۲	
۳		۶	۷			۸	۴	
			۶					۷
۹					۴	۳	۶	

متوسط

۸				۴			۷	
	۳		۸	۱			۹	
		۴			۷	۸		
	۴		۹			۳		۷
۳			۵		۱			۶
۶		۸			۴		۲	
		۲	۱			۴		
	۸			۵	۶		۱	
	۶			۲				۹

سخت

		۲	۷	۶			۳	۵
۳					۸		۶	
	۲						۵	۴
		۸	۵	۹	۶	۳		
۵	۱						۷	
	۷		۳					۲
۴	۳			۱	۹	۶		

خیلی سخت

	۲		۴	۸				
	۳					۲		
۹				۷				۸
	۸							
۲	۷	۴		۶		۹	۱	۵
							۷	
۶				۴				۳
		۵					۸	
				۵	۶		۴	

حل جدول سودوکو شماره ۴۱۸۴

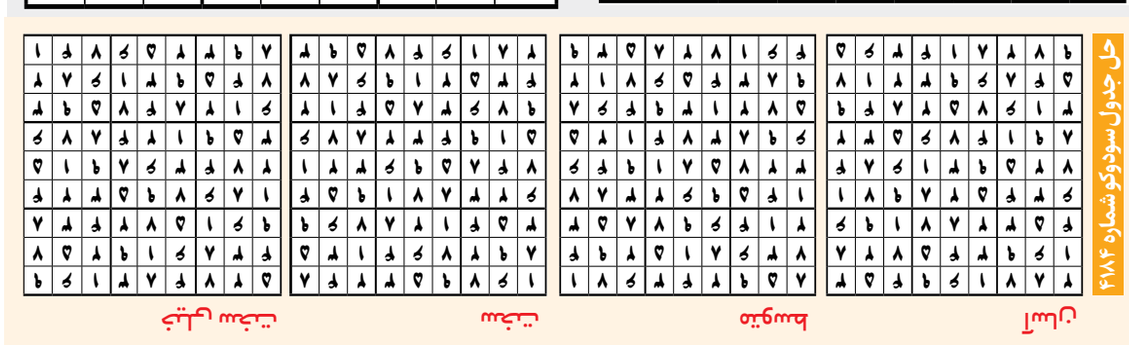

یک جدول با دو شرح

۸۱۵۳

جدول روزنامه *ایران* دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

جدول عادی

افقی:

۱- پایتخت «بلژیک» - بیماری استخوانی
۲ - اتحادیه فوتبال اروپا - میوه تخم‌مرغی! - فرزندان
۳ - دانه‌ای از نوع ارزن - چراگاه - کرایه پست
۴ - هر چیز بد و زشت - خمره بزرگ - ضروری - رود سرحدی
۵ - ساز شاکی! - پادشاهان - نام پسرانه
۶ - بدهکار - چهره‌نما - باز عامیانه!
۷ - غالب‌تر و چیره‌تر - پرنده تالاب گاوخونی - سوراخ زیرزمینی
۸ - درد و مرض - هنر فرنگی - نام «کمال» ادیب ترکیه‌ای
۹ - یار کلنگ! - نوعی ماده سفید کننده - ستاره
۱۰ - مترادف «آشغال» - از غلات - نام دیگری برای آقایان
۱۱ - اندیشمند - غصه - شهر «برج طغرل»
۱۲ - نوشته غیرشعر - پارگی جزئی فرش - پول رایج در ژاپن - با اهمیت
۱۳ - خرگوش - حافظه جانبی رایانه - اصطلاحی در ورزش کشتی
۱۴ - جرم آسمانی - شهر سیستان و بلوچستان - گوشت گیاهی
۱۵ - سریالی اپیزودیک (۱۴۰۱) با هنرنمایی شیوا خسرومهر - مسافر خودرو

عمودی:

۱ - سریالی به کارگردانی احمد امینی که از شبکه دو سیما پخش شد
۲ - بیماری در دارالمجانین - مقصود - ستاره پروین
۳ - فراوانی - پارچه نخی لطیف و نازک - نام دخترانه
۴ - جوهرآدمی - سخنوران و شاعران - صدمه - گوسفندزاده
۵ - منحنی درجه دوم - جشن آغاز سال نوی ایرانی - کجاست؟
۶ - اثر چربی - از تقسیمات کشوری - رنجیده
۷ - دریا - بَرخط - رختشوی
۸ - صندلی چرخدار کودک - شهر بی‌قانون - بهانه
۹ - پیام‌رسان زیبا و رایگان ایرانی - پیاله چای خوری - خرس
۱۰ - چیزهای شگفت‌آور و بدیع - ضد «گرمی» - پژمرده
۱۱ - حرف عطف - سرخ مایل به قهوه‌ای - یار
۱۲ - میوه شیرین - یک عامی - بیمارستان شهرک غرب تهران - ریسمان
۱۳ - ضرب شمشیر - اثر و علامت - آشفته، نامرتب
۱۴ - اسلحه شمشیربازی - سنگینی، هیبت - نجات
۱۵ - اثر تاریخی و دیدنی کرمان

جدول ویژه

افقی:

۱ - پرنده‌ای قهوه‌ای رنگ - رودی در اسفراین
۲ - همدم - بهت و شگفتی - هنگام عصر
۳ - صبحانه نخورده - تلاش - پوست گندم
۴ - هر نوع آش - نوعی کیفر در فقه - بلیغ - یقه آهارزده
۵ - مخفف گاه - از مصالح ساختمانی - ناراحتی
۶ - وزیر بزرگ - سبزی دشمن چربی خون - زوبین
۷ - حمله - بازیگر فیلم «رنج و گنج» - صدمه
۸ - داد و فریاد مردم - تاب و توان - مورخ یونان باستان
۹ - میغ - گلر سابق آلمانی - بخاری گلخانه
۱۰ - دهن‌کجی - درمان - هم‌حرفه
۱۱ - اخبار انگلیسی - جزیره‌ای در جنوب ایران - جاروی دسته‌دار
۱۲ - تماس دست با چیزی - عنصر نمک - حرف زورو - اصطلاحی در طلاسازی
۱۳ - دارای مزیت - فقیر - اختلال اضطرابی
۱۴ - نوعی ریواس - یکی از بخش‌های تمدن بابل - شرکت صنایع سنگین سوئدی
۱۵ - مشهورترین سوغاتی صنایع دستی بوشهر - قشر پوست

عمودی:

۱ - محل تحصیل «ماکس وبر»
۲ - گلی نماد بهار - قطعی در چاپ کتاب - ترس آور
۳ - منشأ - محصول زلزله - خستگی ناپذیر
۴ - خواری - باقیمانده - حرف یونانی - ماشین فرانسوی
۵ - زندگان - اندیشه‌های بد - دیگ مازنی
۶ - مرزنگوش - حاجت - پرواز کردن
۷ - عدد گلر - غذای سنتی ترکمنی - زاپاس
۸ - قلاب - مرغ استخوان‌خوار - مالامال
۹ - سرخ تیره - مجموعه اشعار «ویکتور هوگو» - گذشتن
۱۰ - پهناورترین کشور جهان شناخته می‌شد - اسرار - بخار دهان
۱۱ - تعجب بانو - زن همنشین - چشم‌روشنی
۱۲ - زدنی به بستنی! - نیا - شرط بندی - طرف
۱۳ - فرومایگان - شوره‌زار - به‌وجود آورنده
۱۴ - درجه نظامی سابق ارتش - دوستی - چریک
۱۵ - اثری از «برتولت برشت»

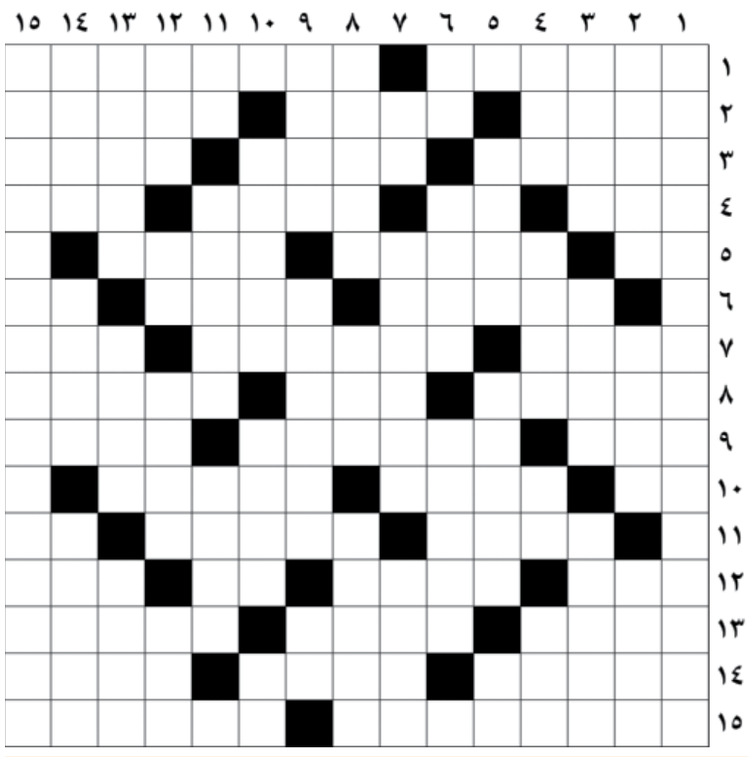

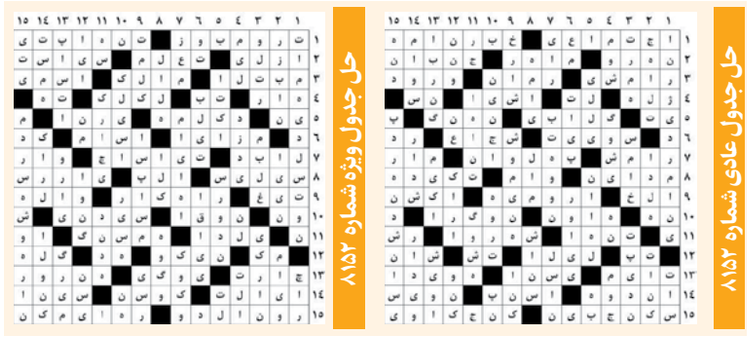

حل جدول عادی شماره ۸۱۵۲ — حل جدول ویژه شماره ۸۱۵۲